

جریان‌شناسی ناکثین با تأکید بر نهج البلاغه

حمید حمیدیان* / علی محمد میرجلیلی** / امین جعفری***

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۶/۱۹

چکیده

شورش ناکثین در دوران خلافت امام علی (علیه السلام)، یک رفتار جمعی خشونت‌آمیز و هنجارشکن و فرآیندی ناسازگار با تعادل اجتماعی بود. حکومت امام (علیه السلام) که با شورای امت تشکیل شد، به نظر می‌رسید مقبول همگان قرار گیرد، ولی افرادی که مدعی مصاحبت با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودند، نظیر طلحه، زبیر و عایشه، جنگ جمل را بر آن حضرت تحمیل کردند. دو عامل محرومیت از اصل خلافت و عدم مشارکت در پست‌های حکومتی نقش بسزایی در مخالفت و تقابل طلحه و زبیر با امام داشت. هرچند آن حضرت با راهکارهای مختلف کوشید تا شعله جنگ جمل را خاموش و از ریختن خون مسلمانان جلوگیری کند، اما به مقصود خویش در اصلاح بسیاری از آنان نرسید و فتنه آنان به جنگ کشیده شد.

این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته به بررسی عوامل ایجاد آشوب و طغیانگری در حوزه حکومت اسلامی امام علی (علیه السلام) و تبیین چهره‌های مؤثر ناکثین پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین انگیزه‌های سران جریان ناکثین در ایجاد شورش عبارت بود از: ریاست‌طلبی، سودجویی، دنیاگرایی و عدم تحمل عدل علوی. این جریان در عصر خود موجب انحراف برخی از مسلمانان و نیز ایجاد تفرقه در میان امت اسلامی و پیدایش دو جنگ صفین و نهروان گردید و در پی آن، مذاهب کلامی و نحله‌های فکری- عقیدتی مختلفی

hamidiyan@meybod.ac.ir

*. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، یزد، ایران

almirjalili@meybod.ac.ir

** . دانشیار عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، یزد

amin_4146@yahoo.com

*** . دانشجوی دکترا گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، یزد

بوجود آورد که هر يك خود عامل اختلاف در بين مسلمين گردیدند.

واژگان کلیدی

امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ناکثین، جریان‌شناسی، فتنه.

۱- مقدمه

«نکث» در لغت به معنای شکستن عهد، پیمان و بیعت است (ابن منظور، ۱۴۲۶: ۴ / ۴۰۱۵ و نک. جوهری، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۹۵). «ناکثین» در اصطلاح، به گروه پیمان‌شکنی که بعد از بیعت با امام علی (علیه السلام) بر علیه آن حضرت شورش کرده و به فرماندهی طلحه و زبیر و با همراهی عایشه جنگ جمل را به راه انداختند گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۲۶: ۴ / ۴۰۱۵). این واژه در سخنان امام علی (علیه السلام) بکار رفته است:

- «قَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِقِتَالِ أَهْلِ الْبُعْيِ وَالنَّكْثِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)

خداوند مرا به جنگ با ستمگران (اهل صفین) و پیمان‌شکنان (اهل جمل) فرمان داده است.

- «أَمَرْتُ بِقِتَالِ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ» (صدوق، بی تا: ۱۱۵)

(من مأمور به جنگ با ناکثین، قاسطین و مارقین هستم).

«جریان» در لغت مصدری از ریشه «جری» به معنای حرکت سریع (روان شدن) است مانند عبور آب و امثال آن (راغب، ۱۴۱۲: ۱۹۴). همچنین، به «مجموعه‌ای از اعمال و رویدادها که در جهت رسیدن به هدفی خاص باشد» جریان گفته می‌شود (دهخدا، ۱۳۸۵: ۸۶۹).

مراد از جریان؛ در اصطلاح، تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی است که علاوه بر داشتن مبانی فکری، دارای نوعی رفتار ویژه اجتماعی است (خسرو پناه، ۱۳۸۸: ۹).

جریان‌شناسی عبارت است از: شناخت منظومه و گفتمان، چگونگی شکل‌گیری، معرفی مؤسسان و چهره‌های علمی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی يك گروه (همان).

هر جریان دارای سه مؤلفه است: ۱. فرد جریان‌ساز نیست، بلکه گروه جریان‌ساز است؛ ۲. این جمعیت باید توسط یک فرد یا افرادی مدیریت شود و ۳. جریان دارای قدرت تأثیرگذاری بر جامعه است (مهدی‌پور، ۱۳۹۳: ۹).

«یک جریان فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی حتماً حول محور یک فکر، اندیشه و مرام مشخص و معین شکل می‌گیرد و به صورت عمل جمعی در عرصه اجتماع و جامعه ظاهر می‌شود» (خرمشاد و سرپرست سادات، ۱۳۹۲: ۶۵).

۱-۱. بیان مسئله

عظمت مقام و سوابق درخشان امیرالمومنین (علیه السلام) بر اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تابعین پوشیده نبود؛ از این رو، با قتل عثمان مردم با شور و شوق فراوان به خاندان اهل بیت (علیهم السلام) ابراز علاقه کردند و امام علی (علیه السلام) را به رهبری امت برگزیدند. افراد انگشت‌شماری از صحابه، با بی‌تفاوتی در برابر آن حضرت موضع‌گیری خاصی نداشتند، ولی پس از مدت کوتاهی، گروهی علیه امامی که خود از طریق شورای امت برگزیده بودند شورش کردند. طلحه و زبیر، در دوره خلفای قبل، به عنوان یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جایگاه خوبی برخوردار بودند و در دوران امام علی (علیه السلام) نیز توقع داشتند که از چنین موقعیتی استفاده کنند. آنان در ابتدا با امام (علیه السلام) بیعت کردند، اما در اولین روزهای خلافت آن حضرت متوجه شدند که از امام (علیه السلام) نمی‌توانند سوء استفاده کنند؛ بنابراین، حضور و همراهی با امام (علیه السلام) را برتافتند و به گونه‌ای عمل کردند که به بیعت‌شکنی متهم نشوند. لذا، خونخواهی عثمان را بهانه قرار داده و عایشه، همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برای تأیید رفتارشان از دیدگاه دین‌باوران با خود همراه کردند.

تلاش‌های صادقانه آن حضرت نتوانست اختلاف پدیدآمده را برطرف سازد و سرانجام جنگ جمل رخ داد. این جستار درصدد است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی پس از معرفی سران ناکتین، به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد که اولاً، عوامل پیدایش، عملکرد و تأثیر جریان ناکتین بر سایر جریان‌های موجود در عصر خود و پس از خود چه بود؟ و ثانیاً امام علی (علیه السلام) در مقابله با این جریان چه موضعی در پیش گرفت؟

۱-۲- پیشینه پژوهش

در مورد جریان ناکتین پژوهش‌هایی صورت گرفته که به مواردی که با نوشتار حاضر به نحوی ارتباط دارند، اشاره می‌شود:

الف) محمدرضا پورخسروی، پایان‌نامه «حقوق مخالفان دولت با تأکید بر سیره امام علی (علیه السلام)» (۱۳۸۰)، دانشگاه تهران). نویسنده بیان کرده که مخالفت کردن با هر موضوعی و از جمله، نظام سیاسی یک امر طبیعی است و نفس اختلاف نظر و مخالفت جرم نیست. آنچه مهم است اینکه هم موافقان و هم مخالفان یک نظام، اعلام موافقت و مخالفتشان باید در چارچوب قانون و با ابزارهای مسالمت‌آمیز ابراز گردد. سیره امام علی (علیه السلام) و قانون اساسی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که مخالفان دولت از حقوقی



برخوردارند مثل حق تشکیل حزب و مطبوعات و حق آزادی بیان و شرکت فعالانه در اداره امور عمومی. تمسک مخالفان نظام به ابزارهای خشونت‌آمیز عملی برخلاف قانون اساسی و سیره امام علی (علیه السلام) است. (ب) اعجاز حیدر، پایان‌نامه «روش برخورد امام علی (علیه السلام) با مخالفان» (۱۳۸۳)، جامعه المصطفی العالمیه). مؤلف در این تحقیق مخالفان امام (علیه السلام) را به مخالفان فکری و اعتقادی،

مخالفان نظامی و مخالفان سیاسی با سیاست مدارا و سکوت دسته‌بندی کرده‌است و بیان می‌دارد که عملکرد امام (علیه السلام) در برابر مخالفان همیشه تابع مصالح اسلام و حفظ اصول آن بوده و همواره آن حضرت مصالح شخصی خود را فدای مصالح اسلام می‌کرد.

(ج) سیدعلی‌رضا واسعی، مقاله «جریان‌شناسی دشمنی با امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه» (مجله حوزه، ۱۳۷۹، شماره‌های ۹۹ و ۱۰۱-۱۰۲). این مقاله به انگیزه‌های دشمنی با امام علی (علیه السلام) پرداخته که شامل: انگیزه‌های قومی و نژادی، عنصر دینی و مذهبی و عنصر سیاسی و اجتماعی است. افزون بر این بیان می‌کند که امام علی (علیه السلام) اشاراتی به انسان‌های فرصت‌طلب و دنیامداران سیاست‌باز در عصر خود دارد و آنها را به چهار گروه تقسیم می‌نماید.

(د) علی‌اکبر علیخانی، مقاله «جایگاه دشمنان و مخالفان در نگرش سیاسی امام علی (علیه السلام)» (مجله حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰، ش ۲۶، ص ۴۳-۶۳). مؤلف بیان می‌کند که امام علی (علیه السلام) در نگرش سیاسی خود براساس اصول اعتقادی خویش عمل کرده که شامل: تکریم انسان، حفظ خون مسلمانان، نگاه به حکومت و قدرت به عنوان وسیله‌ای برای احقاق حقوق و احیای حدود و ارزش‌های الهی و در نهایت، تکامل و سعادت انسان است.

با مطالعه تحقیقات پیش گفته مشخص گردید که هیچ یک از آنها به جریان‌شناسی ناکتین نپرداخته و با نوشتار حاضر هم‌پوشانی و تداخل ندارد. از این رو، مقاله حاضر از نوآوری کافی برخوردار است.

۱-۳- اهمیت پژوهش

بنا به گواهی مصادر تاریخی و نیز تصریح امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، حکومت امام (علیه السلام) با رأی مردم صورت گرفت. امام (علیه السلام) خود تمایلی به پذیرش حکومت نداشت، ولی اصرار مردم و به تعبیر آن حضرت، اتمام حجت سبب شد که آن را بپذیرد (نهج البلاغه، خطبه ۳)، ولی پس از پذیرش این مسئولیت از سوی امام شورش‌های داخلی شروع شد به طوری که رسیدگی به آنها بیشترین وقت امام را در نوردید. اهمیت این پژوهش بر آن است که اولین شورش را که تأثیر فراوانی بر پیدایش دو شورش دیگر و نیز اختلاف بین مسلمانان داشت جریان‌شناسی می‌کند.

۲- بحث

پس از معرفی مفاهیم ناکتین، جریان و جریان‌شناسی، در ادامه مقاله به معرفی جریان ناکتین در عصر امام علی (علیه السلام) پرداخته می‌شود. نخست به معرفی کوتاهی از سران و عوامل پیدایش این جریان و سپس به نحوه برخورد امام با آنها و نیز آثار این جریان بر جامعه اسلامی در عصر امام و پس از آن می‌پردازیم.

۱-۲ - سردمداران جریان ناکتین و پیشینه سیاسی اجتماعی آنان

چهره‌های شاخص و افراد مؤثر فرهنگی و سیاسی ناکتین عبارتند از: عایشه، طلحه و زبیر.

۱-۱-۲ - ام المؤمنین عایشه

عایشه دختر ابوبکر، در سال چهارم بعثت در مکه به دنیا آمد و در آنجا رشد کرد (ابن سعد، ۱۴۱۷: ۸/ ۲۷۱). او را به جهت همسری پیامبر اکرم «ام المؤمنین» خوانده‌اند. شهرت عایشه بیشتر به علت فعالیت‌ها، جهت‌گیری‌های سیاسی و نقش وی در جریان‌های پس از رحلت پیامبر (علیه السلام) است. اهل سنت با استناد به روایاتی، از فضایل عایشه و محبوبیت او نزد پیامبر (علیه السلام) خبر داده‌اند و برای او جایگاه ارزشمندی قائل شده‌اند (بخاری، ۱۴۱۴: ۴/ ۲۶۴-۲۶۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۷: ۲/ ۴۳۸-۴۴۰). در مقابل، نقدهای فراوانی به رفتار و سیره وی، بویژه، در جنگ جمل وارد کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲/ ۲۲۷؛ عاملی، ۱۴۲۶: ۳/ ۲۸۹). وی در سال ۵۷ یا ۵۸ قمری در مدینه فوت کرد (ذهبی، ۱۴۱۳: ۴/ ۱۶۴؛ ابن اثیر، ۱۴۱۷: ۳/ ۵۲۰).

عایشه در عصر دو خلیفه اول و دوم، چندان در امور سیاسی دخالتی مستقیم نداشت، اما جایگاه ویژه اجتماعی داشت و مورد حمایت آن دو بود. وی در روزهای آخر عمر رسول خدا (علیه السلام) کوشش‌هایی در رسیدن پدرش به خلافت نمود و مرتب پیام می‌داد که پیامبر دستور داده که ابوبکر به جای آن حضرت، در مسجد مدینه اقامه نماز جماعت کند (ابن سعد، ۱۴۱۷: ۲/ ۳۵۷-۳۶۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۴/ ۴۵۹-۴۶۷؛ ر. ک: میرجلیلی، ۱۳۷۷: ۴۶-۴۹). او در تثبیت خلافت شیخین با ذکر روایاتی از پیامبر (علیه السلام) آنان را کمک کرد (واردی، ۱۳۸۹: ۱۱۴) و با صدور فتواها و نقل روایات نقش بارزی در حمایت فکری از سیاست خلیفه اول و دوم و پیشبرد آن بر عهده داشت (تقی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۵).

بین عایشه و فاطمه (علیها السلام) بحث‌هایی و گفتارهایی رد و بدل می‌شد که موجبات کینه‌ورزی وی را فراهم نمود و در نتیجه، بین عایشه و امام علی (علیه السلام) نیز کدورت‌هایی پدید آمد. (ابن ابی الحدید: ۴/ ۱۴۷). عایشه با امام علی (علیه السلام) و حکومت آن حضرت مخالف بود و سابقه این اختلاف به زمان حیات پیامبر (علیه السلام) بر می‌گردد (طبری، ۱۳۸۷: ۴/ ۴۵۹). شیخ مفید هفت مورد از عوامل کینه عایشه نسبت به امام علی (علیه السلام)

را ذکر کرده است (ر.ک. مفید، ۱۳۶۷: ۲۴۵-۲۴۷). مخالفت وی تا بدانجا پیش رفت که به راه‌اندازی جنگ جمل علیه حکومت نوپای آن حضرت به بهانه ی خونخواهی عثمان پرداخت. عایشه پس از حضور طلحه و زبیر در مکه، مخالفت خود را با امام علیه السلام علنی کرد و به همراه آن دو به سوی بصره حرکت نمود (ابن قتیبه، ۱۴۱۰: ۱ / ۷۱-۷۲). از دیدگاه پژوهشگران، ادعای عایشه مبنی بر خونخواهی خلیفه مقتول و راه‌اندازی جنگ جمل مورد نقد جدی است (عسکری، ۱۳۷۵: ۲ / ۴۲-۴۴).

بعد از پایان جنگ جمل، امام علی علیه السلام عایشه را به خاطر عملکردش مورد سرزنش قرار داد و فرمود: «به مدینه برو و بازگرد به همان خانه‌ات که پیامبر خدا تو را فرموده‌است که در آن آرام گیری» و او را به مدینه بازگرداند (یعقوبی، بی تا: ۲ / ۱۸۳). امام علی علیه السلام در نکوهش از نافرمانی عایشه می فرماید:

«وَأَمَّا فُلَانَةٌ، فَأَذْرَكَهَا زَأْيُ النَّسَاءِ، وَضَعْنُ عَلَا فِي صَدْرِهَا كَمِرْجَلِ الْقَيْنِ، وَلَوْ دُعِيَتْ لَتَنَالَ مِنْ غَيْرِي مَا أَتَتْ إِلَيَّ، لَمَرْتُفَعْلُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶)

(اما آن زن اندیشه زنانه بر او دست یافت و در سینه اش کینه، چون کوره آهنگری بتافت، و اگر از او می خواستند تا آنچه به من کرد به دیگری کند، نمی کرد).

این تحلیل امام کاملاً حق و درست است، زیرا انگیزه‌ای که عایشه برای کارهای خود در قبال آن حضرت داشت در برابر دیگران نداشت (ابن میثم، ۱۴۲۰: ۳ / ۲۴۳).

۲-۱-۲- طلحه

طلحه بن عبیدالله، معروف به طلحة الخیر از بنی تیم بن مره، یکی از شاخه‌های قبیله قریش است. وی از طرف مادر به چند واسطه به جد پیامبر صلی الله علیه و آله قصی بن کلاب می رسد (ابن سعد، ۱۴۱۷: ۳ / ۱۱۵). او ده سال قبل از بعثت پیامبر متولد شد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۰ / ۱۱۵). طلحه از اولین مسلمانان است. وی به وسیله ابوبکر با پیامبر صلی الله علیه و آله آشنا شد و اسلام را پذیرفت. وی به هنگام جنگ بدر، در مدینه حاضر نبود (ابن هشام، بی تا: ۱ / ۲۵۱). پیامبر صلی الله علیه و آله او و سعید بن زید را برای کسب اطلاعات به سوی شام فرستاده بود. طلحه در جنگ احد زخمی شد و بعضی از انگشتانش فلج گردید (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۲ / ۷۶۴-۷۶۵؛ ابن سعد، ۱۴۱۷: ۳ / ۱۱۵). در عهد عمر، در فتوحات مسلمین و از جمله، فتح ایران به همراه زبیر بن عوام شرکت داشت (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۲ / ۲۹۲).

عمر طلحه را مردی متکبر می دانست که همواره در پی کسب آبرو و تمجید و دستیابی به مال دیگران است (یعقوبی، بی تا: ۲ / ۱۵۸). وی چندان مورد توجه عمر نبود، هرچند بخاطر جایگاه طلحه در بین صحابه، عمر او را یکی از کاندیداهای خلافت معرفی کرد.

امام (علیه السلام) در دستوری به ابن عباس قبل از جنگ، شخصیت طلحه را چنین توصیف می‌کند:
 «لَا تَلْقَيْنَ طَلْحَةَ، فَإِنَّكَ إِن تَلَقْتَهُ تَجْعَلُ كَالثَّوْرِ عَاقِصًا فَرْنَهُ، يَرْكَبُ الصَّعْبَ وَيَقُولُ: هُوَ الدَّلُوبُ» (نهج البلاغه / خطبه ۳۱)

(با طلحه دیدار مکن، که گاوی را مانند شاخها راست کرده، به کار دشوار پا گذارد و آن را آسان پندارد). طلحه در جریان جنگ جمل کشته شد (ابن سعد، ۱۴۱۷: ۳/ ۱۱۹؛ ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۲/ ۴۷۸).

۲-۱-۳- زبیر

زبیر بن عوّام بن خُوَیَلِد از صحابه رسول خدا و برادرزاده حضرت خدیجه و پسر عمه پیامبر بود (ابن قتیبه، ۱۴۱۰: ۱/ ۲۱۹). زبیر با اسماء یکی از دختران ابوبکر ازدواج کرد (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۶/ ۱۰). زبیر چهارمین یا پنجمین نفری بود که اسلام آورد. وی در سن شانزده سالگی مسلمان شد. (ابن سعد، ۱۴۱۷: ۳/ ۵۴-۵۵) منابع تاریخی، اسلام زبیر را بعد از مسلمان شدن ابوبکر نوشته‌اند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۲/ ۵۱۰).

زبیر در جنگ‌های رده در زمان ابوبکر شرکت داشت و از افرادی بود که در گذرگاه‌های مدینه گمارده شد تا از نفوذ دشمن به مدینه جلوگیری نمایند (طبری، ۱۳۸۷: ۳/ ۲۴۱-۲۴۶؛ ابن مسکویه، ۱۳۶۹: ۱/ ۱۶۴-۱۶۳). وی در زمان خلیفه دوم، چندان رابطه خوبی با خلیفه نداشت. عمر وی را چنین توصیف کرده‌است: «زبیر روزی، انسان است و روزی، شیطان، مردی است که برای پیمان‌های از صبح تا ظهر چانه می‌زد تا نمازش از دست می‌رفت (یعقوبی، بی تا: ۲/ ۱۵۸).

زبیر خویشاوندی نزدیکی با امام علی (علیه السلام) داشت و پسر عمه ایشان بود، اما با آن حضرت، دارای روابط پرفراز و نشیبی است. وی از مدافعان جدی امام علی (علیه السلام) در ماجرای سقیفه بود و در جریان حمله مهاجمان به خانه فاطمه (علیها السلام) دستگیر شد. وی شعار «فقط علی» بر لب داشت (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۷۱؛ نک. میرجلیلی، ۱۳۷۷: ۷۲). همچنین، او از شاهدان وصیت حضرت زهرا (علیها السلام) بوده و در زمان دفن ایشان حضور داشت (صدوق، ۱۴۱۳: ۴/ ۲۴۴).

زبیر از نظر فکری و سیاسی در ابتدا از طرفداران اهل بیت (علیهم السلام) به شمار می‌رفت و در شورای شش نفره عمر نیز به نفع امام علی (علیه السلام) رأی داد، اما بعدها رابطه‌اش با آن حضرت تیره شد. عامل اصلی در انحراف فکری وی، فرزندش عبدالله بود که تحت تربیت عایشه رشد و نمو کرده بود (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۵: ۴/ ۱۴۷). امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

«مَا زَالَ الرَّبُّ رَجُلًا مَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ حَتَّى نَشَأَ ابْنَهُ الْمَشُومُ عَبْدَ اللَّهِ» (نهج البلاغه / حکمت ۴۵۳)
 (زبیر پیوسته خود را از ما به حساب می‌داشت تا آن که فرزند نافر خنده‌اش عبد الله پا به جوانی گذاشت).

این فرزند هواپرست وسیله آزمایش پدر شد و موجبات هلاکت او را فراهم کرد.
 سر انجام زبیر در جنگ جمل در منطقه وادی السباع، غافلگیرانه به وسیله عمرو بن جرموز کشته شد
 (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۵: ۱۱۱/۱-۱۱۲؛ ابن خلکان، ۱۴۱۹: ۱۱/۳).

۲-۲- عوامل پیدایش جریان ناکثین

شواهد تاریخی گواه است که طلحه و زبیر با انگیزه به خلافت رسیدن در شورش علیه عثمان و قتل او شرکت کردند. عایشه نیز امیدوار بود که خلافت به طلحه برسد. اما بعد از قتل عثمان، تمام نظرها به سوی امام علی (علیه السلام) متمایل گشت و طلحه و زبیر که شرایط را مساعد ندیدند، برای این که درآینده سهمی از حکومت امام ببرند با ایشان بیعت کردند.

۲-۲-۱- ریاست طلبی سران ناکثین

طلحه و زبیر به عنوان سران اصلی ناکثین خود را در ردیف امام علی (علیه السلام) و برای خلافت شایسته می‌دانستند. شاید این امر ناشی از جریان شورای شش نفره باشد که عمر آن دو را در ردیف امام قرار داد. از این رو، خلافت امام را بر نمی‌تافتند.

ترکیب شورای شش نفره در جهت تنزل مقام امام (علیه السلام) بود. امام (علیه السلام) با اندوه به این نکته اشاره می‌کند:

«يَا لَللَّهِ وَاللُّشُورَى، مَتَى اغْتَرَضَ الرَّبُّ فِي مَعِ الْأَوَّلِ مِنْهُمْ، حَتَّى صَرَفْتُ أَقْرُنَ إِلَى هَذِهِ النَّظَائِرِ؛ لَكِنِّي أَسْفَقْتُ إِذَا سَفُّوا، وَطَرْتُ إِذَا طَارُوا» (نهج البلاغه، خطبه ۳)

(خدا را چه شورایی. من از نخستین چه کم داشتم که مرا در پایه او نپنداشتند و در صف اینان داشتند. ناچار با آنان انباز و با گفت‌وگوشان دمساز گشتم).

این عبارت دلالت بر افضلیت و حقانیت امام (علیه السلام) دارد و از جمله کلام ظاهری است که متشابه نبوده و نیاز به تأویل ندارد (خویی، ۱۳۵۵: ۱۰/۱۴۰).

امام در نامه‌ای به آنان گوشزد می‌کند که اگر در آغاز بیعت کنار می‌رفتید، آسانتر بود از این که بیعت کنید و سپس به بهانه‌ای سرباز زنید.

«وَإِنَّ دَفْعَكُمْ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَدْخُلَ فِيهِ، كَانَ أَوْسَعَ عَلَيْكُمْ مِمَّنْ خَرَجَ كَمَا مِنْهُ، بَعْدَ إِفْرَاقِكُمْ بِهِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۴).



طلحه و زبیر گاه ادعا می‌کردند که بیعت آنان با امام از روی زور و اکراه بوده‌است. امام در رد ادعای اجباری بودن بیعت لشکریان جمل فرموده‌است:

«فِي جَيْشٍ مَّامِنُهُمْ رَجُلٌ إِلَّا وَقَدْ أُعْطَانِي الطَّاعَةَ، وَسَمِعَ لِي بِالْبَيْعَةِ، طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ» (همان، خ ۱۷۲)
 (اینان لشکری بسیج کردند که همه آن‌ها پیمان اطاعت با من بسته و بیعت کرده بودند، در حالی که بیعت و پیمان آنان از روی میل و اراده بود).

طلحه و زبیر در جنگ‌های زیادی با پیامبر همراه بودند و خود را از اصحاب کبار آن حضرت قلمداد می‌کردند، لذا فکر رسیدن به خلافت را در سر می‌پروراندند. امام علیه السلام نیز به نیت قلبی آنان واقف بود (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲ / ۳۶-۳۷).

۲-۲-۲- تحریک مرموزانه امویان

پس از پایان جنگ جمل، گروهی از یاران امام علیه السلام اصرار می‌ورزیدند که امام با ناکثین مانند مشرکان برخورد کند و دستور به بردگی دستگیرشدگان و تقسیم اموالشان دهد. امام این پیشنهاد را نپذیرفت و برای قانع کردن آنان فرمود: «أَيُّكُمْ يَأْخُذُ أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ فِي سَهْمِهِ؟» (حر عاملی، ۱۴۱۳: ۱۵ / ۷۹): (کدام یک از شما حاضر است عایشه را بابت سهم خود بردارد؟) آن‌گاه همه ساکت شدند. در اینجا نیز امام علیه السلام از حقوق ناکثین تا حد امکان دفاع کرد. به همین جهت و بنا به گفته ابن طیفور (م. ۲۸۰ ق)، «عایشه در هنگام مرگ ناله و فریاد می‌کرد، به او گفته شد: ای ام‌المؤمنین! چرا ناله سر می‌دهی درحالی که تو همسر رسول خدا و ام‌المؤمنین و دختر ابوبکر صدیق هستی؟» وی در جواب گفت: «إِنَّ يَوْمَ الْجَمَلِ مُعْتَرِضٌ فِي حَلْقِي (لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَ كُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا)» (قرآن کریم ۱۹: ۲۳). (ابن طیفور، بی‌تا: ۴۸): روز جنگ جمل استخوانی گلوگیرم شده‌است. کاش پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم.»

افراد زیادی از هر دو طرف در جنگ جمل کشته شدند که در گزارش‌های مختلف از این واقعه بین ۱۵۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ تن گفته شده‌است (مفید، ۱۳۶۷: ۲۵۱). طبری آمار کشتگان را ۱۰۰۰۰ و از هر طرف ۵۰۰۰ نفر دانسته‌است (طبری، ۱۳۸۷: ۳ / ۲۳۵).

۲-۴-۲- تأثیر جریان ناکثین بر سایر جریان‌های موجود در عصر خود

جریان ناکثین و جنگ جمل، اثراتی بر مردم عصر خود نهاد که برخی از آنها عبارت است از:

۲-۴-۱- ایجاد تفرقه در امت اسلامی

جنگ جمل، یاران امام علیه السلام را در آزمون‌های سختی قرار داد. عده‌ای به دنبال قدرت‌طلبی و کسب مقام به بیراهه رفته و از حقیقت دور شدند و گروهی تحت تأثیر شیادی‌های آن عده قرار گرفتند و از مسیر حق دور گشتند و حتی به جنگ با امام زمان خود پرداختند. امام علیه السلام به این نکته اشاره دارد آنجا که در ذم اهل بصره می‌فرماید:

«كُنْتُمْ جُنْدَ الْمَرْأَةِ، وَأَتْبَاعَ الْبُهْمَةِ، رَغَا فَأَجَبْتُمْ، وَعُقِرَ فَهَرَبْتُمْ.» (نهج البلاغه، خطبه 13):

(سپاه زن بودید، و از چهارپای پیروی نمودید، بانگ کرد و پاسخ گفتید، پی شد و گریختید).
به گفته بعضی از مورخان، شتر عایشه در جنگ «جمل» به منزله پرچم لشکر بود، و همه، اطراف آن را گرفته بودند و در پای آن شمشیر می‌زدند و مردان جنگی لشکر «طلحه و زبیر» در زیر این پرچم تا آخرین نفس جنگ می‌کردند و کشته می‌شدند. در بعضی از روایات آمده: در آن روز هفتاد نفر از قریش افسار شتر عایشه را به دست گرفتند و یکی پس از دیگری کشته شدند. گروهی که بیش از همه در جنگ «جمل» از شتر دفاع می‌کردند جنگجویان قبیله «بنی ضبّه» و «ازد» بودند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱/ ۵۰۷).
این اختلافات سبب شد که عمده وقت امام در دوران پنج‌ساله حکومتش به جنگ اختصاص یابد و از گسترش عدالت اجتماعی که هدف اصلی ایشان بود تا حدودی دور ماند و وقت و سرمایه فراوانی از مسلمین به هدر رود.

۲-۴-۲- پیدایش فتنه صفین (سوء استفاده حزب اموی از جنگ جمل)

یکی از پیامدهای تلخ جنگ جمل، پیدایش جنگ صفین بود و می‌توان این جنگ را ادامه جنگ جمل و یکی از آثار شوم آن دانست. هردو جنگ با ریسمان محکمی که شروع آن در کنار بصره و پایان آن در صفین باشد به هم ارتباط داشتند.

فتنه جمل از طرف عایشه، طلحه و زبیر در خونخواهی خلیفه مقتول و در پی آن، پیدایش جنگ صفین و تضعیف حکومت امام، موجب شد که معاویه خلافت را در میان خاندان بنی‌امیه موروثی کند و انتقال آن را به خاندان دیگر ناممکن سازد (عسکری، ۱۳۷۵: ۲/ ۲۳۳).

نتیجه ناگوار دیگر فتنه جمل، پیدایش جنگ نهروان بود. جنگ جمل و سپس صفین، در روح مردم تنگ‌نظر و کوتاه‌فکر آثار بدی گذاشت به طوری که به دیگران به دیده عداوت و تکفیر می‌نگریستند (عسکری، همان: ۲۳۴).

۲-۵- تأثیر جریان ناکتین بر جریان‌های پس از خود

جریان ناکتین تبعاتی داشت که تا قرن‌ها بین مسلمانان باقی ماند نظیر:

۲-۵-۱- پیدایش جنگ و خونریزی بین مسلمانان و ادامه آن

پس از جنگ جمل برخی از مسلمانان یکدیگر را تکفیر نموده و کشتن و ریختن خون همدیگر را تجویز کردند، برخی راهزنی را پیش گرفته، امنیت و آسایش را از مسلمانان سلب نموده، جنگ‌ها و خونریزی‌ها به راه انداختند که تا دوران خلفای بنی‌عباس ادامه یافت (عسکری، همانجا).

به گفته یکی از محققان، «یکی از نتایج جنگ جمل، ایجاد شک در میان افراد ظاهربین که در جامعه آن روز کم هم نبودند، بود. در داخل خاک عرب جنگی پدید آمده بود که بعد از اسلام سابقه نداشت، (خاک‌رند، ۱۳۷۲: ۸۰-۸۱).

۲-۵-۲- پیدایش اختلافات فکری در بین مسلمانان

جنگ و هرگونه اختلاف در میان يك جمعیت، در افکار آنان نیز تأثیری خاص بجا می‌گذارد و تضاد فکری و اختلاف سلیقه و عقیده به‌وجود می‌آورد، زیرا طبیعی است که اختلافات عملی همیشه باعث اختلافات فکری و عقیده‌ای هم خواهد بود و به‌عکس، اختلافات فکری معمولاً به اختلافات عملی منجر می‌گردد (عسکری، ۱۳۷۵: ۲/ ۲۳۵-۲۳۶).

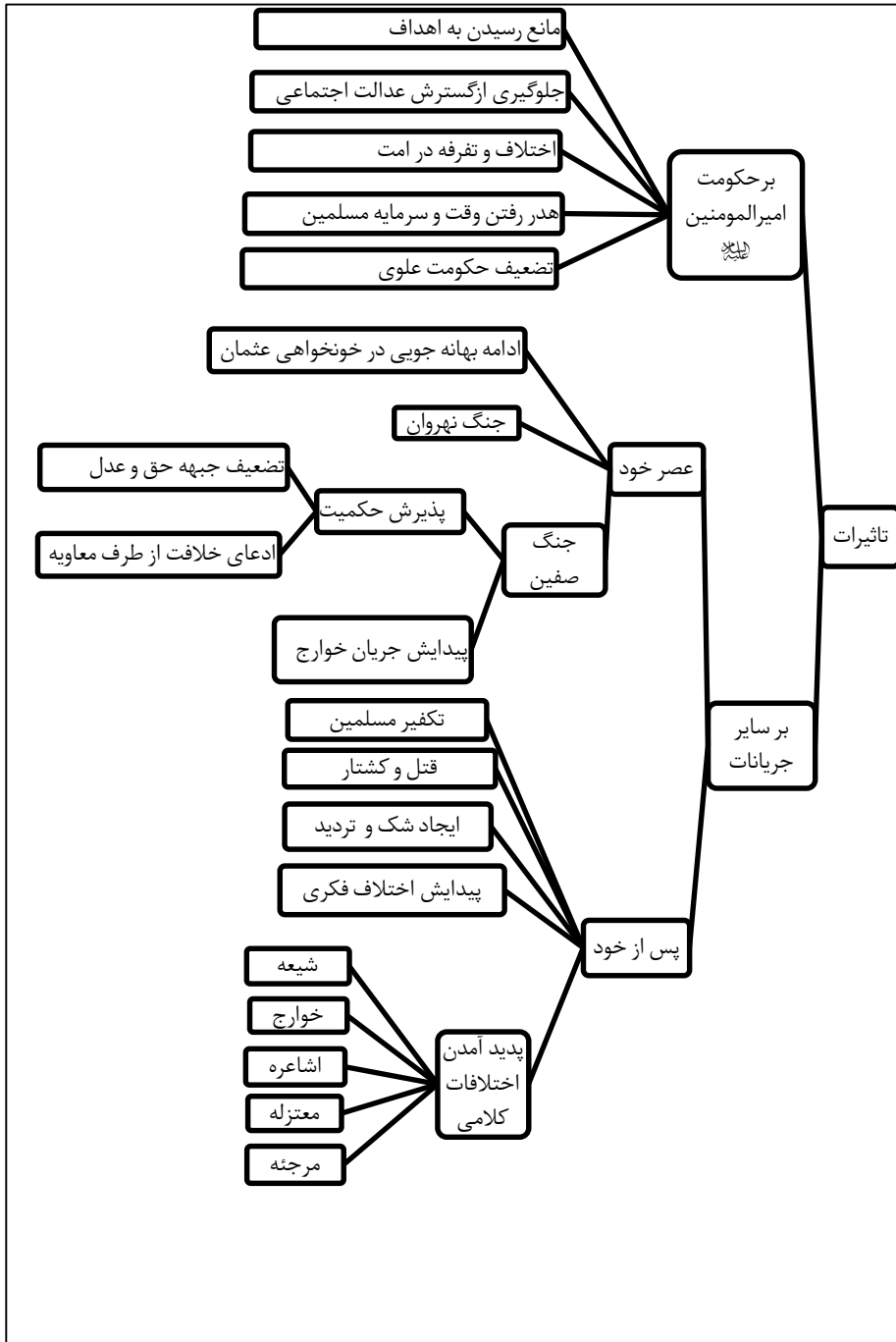
جنگ جمل به دلیل شبهاتی که به وجود آورد، کار ارزیابی را برای توده‌های مسلمان دشوارتر نمود. بعدها اختلاف حاصل از این جریان به حدی رسید که گروهی تحت عنوان «مرجئه» اظهار نمودند که: تبیین دقیق حق و باطل برای آنان ممکن نیست و باید کار نزاع شیعی و عثمانی را به خدا واگذار کرد (سبحانی، ۱۳۷۲: ۳/ ۷۵؛ جعفریان، ۱۳۷۳: ۱۶۵).

جنگ جمل مایه بزرگترین اختلافات و شدیدترین کشمکش‌ها در میان توده‌های مختلف مسلمانان گردید.

خوارج معتقد شدند که سران ناکثین چون با پیشوایان راه حق مخالفت کردند، همه کافر شدند و از اسلام بیرون رفتند و گروه دیگری از خوارج گفتند علی (علیه السلام) در جنگ جمل ذیحق است، اما چون اموال بصریان را به غنیمت نگرفت و زنان و فرزندان‌شان را اسیر نکرد، خطاکار است (شهرستانی، ۱۹۹۸: ۱/ ۱۳۲).

گروهی از معتزلی‌ها هر دو گروه را تکفیر کردند، سپاهیان امام علی (علیه السلام) و عایشه را خارج از اسلام دانسته و بر مخلد بودن آنان در آتش جهنم قائل گردیدند (همان: ۱/ ۶۲-۶۳).





نتیجه

این مقاله، با هدف بررسی جریان شناسی ناکثین با تأکید بر نهج البلاغه به نتایج ذیل دست یافت:

۱. شواهد تاریخی گواه این است که طلحه و زبیر به انگیزه به خلافت رسیدن در قتل عثمان شرکت کرده بودند. آن دو به دروغ مدعی بودند، بیعت با امام علی (علیه السلام) از سر زور و اجبار بوده است. امام علی (علیه السلام) این ادعا را رد کردند.

۲. طلحه و زبیر به عنوان سران اصلی ناکثین، خود را برای خلافت شایسته می دانستند. یکی از بهانه های ناکثین در شورش علیه امام، جریان قتل عثمان بود. آنان به دروغ مدعی بودند که عثمان مظلومانه کشته شده و علی (علیه السلام) از قاتلان عثمان حمایت می کند. کینه های گذشته نیز سبب شد که مخالفان مانع رسیدن امام به حقوق خود شوند.

۳. حس ریاست طلبی سران ناکثین و از طرفی تحریک معاویه - رهبر حزب اموی - در نامه نگاری به طلحه و زبیر و ادعای دروغین سران ناکثین در خونخواهی خلیفه مقتول از عوامل پیدایش جبهه ناکثین بود.

۴. امام امیر المؤمنین (علیه السلام) در برخورد با ناکثین، چهار راهبرد اساسی را به کار برد: مذاکره و مکاتبه (برخورد مسالمت آمیز)، برخورد قاطع نظامی، مجازات حصر و طرد سیاسی و عفو عمومی. امام (علیه السلام) در ابتدا، شبهات مخالفان را پاسخ می گفت و تلاش می کرد راهی برای پایان دادن مسالمت آمیز به جنگ و خصومت بیابد. اگر از این راه به نتیجه دلخواه دست نمی یافت، با مخالفان خود تا آنجا که به وحدت و امنیت جامعه اسلامی آسیبی نمی رسید، با مدارا برخورد می کرد و از اقدامات خشونت بار و قهرآمیز پرهیز می کرد. در مرحله آخر، اگر مخالفان دست از دشمنی برنداشته و دست به قیام مسلحانه می زدند و امنیت شهرها، راهها و اجتماع اسلامی را به خطر می انداختند، به ناچار قاطعانه با آنها برخورد می کرد، هرچند در این مرحله نیز از هدایت و ارشاد مخالفان غفلت نمی نمود.

۵. جریان ناکثین در عصر خود موجب به انحراف کشیده شدن برخی از یاران امام علی (علیه السلام) گردید و عده ای به دنبال قدرت طلبی و کسب مقام به بیراهه رفته و از حقیقت دور شدند. علاوه بر این، موجب ایجاد تفرقه در امت اسلامی و پیدایش دو فتنه شوم دیگر یعنی جنگ صفین و نهروان گردید.

۶. پس از جنگ جمل برخی از مسلمانان یکدیگر را تکفیر نموده و کشتن و ریختن خون همدیگر را جایز شمردند و بدلیل شبهاتی که بوجود آمد، ارزیابی عملکردها بر توده های مسلمان دشوار گشت. جریان ناکثین موجب اختلاف و تفرقه در امت اسلامی و مایه بزرگترین و شدیدترین درگیری ها در میان توده های مختلف مسلمانان اهل قبله گردید و مذاهب کلامی و نحله های فکری - عقیدتی مختلفی به وجود آورد.

منابع

- قرآن کریم، ۱۳۷۸ ش، مترجم: محمد مهدی فولادوند.
- نهج البلاغه، ۱۳۷۶ ش، گردآورنده: شریف رضی، محمد بن حسین، مترجم: سیدجعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، ۱۴۱۵ ق. شرح نهج البلاغه، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
 ۲. ابن اثیر جزری، علی بن محمد، ۱۴۰۹ ق، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار الفکر.
 ۳. _____، ۱۴۱۷ ق، الکامل فی التاریخ، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتاب العربی.
 ۴. ابن اعثم کوفی، احمد، ۱۴۱۱ ق، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالاضواء.
 ۵. ابن خلکان، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ ق، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۶. ابن سعد، محمد بن سعد، ۱۴۱۷ ق، الطبقات الکبری، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
 ۷. ابن طیفور خراسانی، احمد بن ابی طاهر، بی تا، بلاغات النساء، تحقیق، عبد الحمید هندواوی، قاهره: دارالفضیله.
 ۸. ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله، ۱۴۱۲ ق، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل.
 ۹. ابن قتیبہ دینوری، عبد الله بن مسلم، ۱۴۱۰ ق، الإمامة و السیاسة، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالاضواء.
 ۱۰. ابن کثیر قرشی دمشقی، اسماعیل، ۱۴۰۷ ق، السیرة النبویة. تحقیق مصطفی عبد الواحد، بیروت: دارالمعرفة.
 ۱۱. ابن مسکویه، احمد بن محمد، ۱۳۶۹ ش، تجارب الامم، تصحیح: ابوالقاسم امامی، طهران: انتشارات سروش.
 ۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۲۶ ق، لسان العرب، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
 ۱۳. ابن میثم، میثم بن علی، ۱۴۲۰ ق، شرح نهج البلاغه، بیروت: دار الثقلین.
 ۱۴. ابن هشام، عبد الملك، بی تا، السیرة النبویة تحقیق مصطفی السقا و دیگران، بیروت: دارالمعرفة.
 ۱۵. امین عاملی، سید محسن، ۱۴۲۴ ق، اعیان الشیعة، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
 ۱۶. امینی، عبد الحسین بن احمد، ۱۳۷۴، الفدیر، طهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۱۴ ق، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر.
 ۱۸. بلاذری، أحمد بن یحیی، ۱۴۱۷ ق، من انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر.



۱۹. تقی‌زاده داوری، محمود، ۱۳۸۷، *تصویر خانواده پیامبر در دائرة المعارف اسلام*، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
۲۰. جعفریان، رسول، ۱۳۷۳ش، *تاریخ تحول دولت و خلافت*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.
۲۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ق، *الصحاح*، بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۲. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۳ق، *وسائل الشیعة*، بیروت: مؤسسه آل‌البتیة لإحياء التراث.
۲۳. خاک‌رند، شکرالله، ۱۳۷۲ش، *علل شکل‌گیری خوارج*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۴. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۸ش، *جریان‌شناسی فکری ایران معاصر*، قم: مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی.
۲۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۵ش، *لغت نامه (فرهنگ متوسط دهخدا)*، تهران: دانشگاه تهران.
۲۶. ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۱۳ق، *تاریخ الاسلام*، تحقیق تدمری، بیروت: دار الکتب العربی.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: الدار الشامیه.
۲۸. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۲ش، *بحوث فی الملل والنحل*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۹. شهرستانی، محمد بن عبد‌الکریم، ۱۹۹۸م، *الملل والنحل*، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۳۰. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. _____، ۱۳۶۲ش، *الخصال*، ترجمه مرتضی مدرس گیلانی، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
۳۲. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ق، *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
۳۳. عاملی، سیدجعفر مرتضی، ۱۴۲۶ق، *الصحيح من سيرة النبي الاعظم*، قم: دارالحديث.
۳۴. عسکری، سیدمرتضی، ۱۳۷۵ش، *نقش عایشه در تاریخ اسلام*، ترجمه عطا محمد سردارنیا، محمد صادق نجمی و دیگران، تهران: انتشارات منیر.
۳۵. کورانی عاملی، علی، ۱۴۲۵ق، *جواهرالتاریخ*، قم: دار الهدی.
۳۶. متقی هندی، علی، ۱۴۰۹ق، *کنز العمال*، بیروت: مؤسسه الرسالة.
۳۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۸. مفید، محمد بن محمد، ۱۳۶۷ش، *نبرد جمل*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
۳۹. _____، ۱۴۱۳ق، *الأمالی*، قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۵ش، *پیام امام شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه*، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۴۱. میرجلیلی، علی محمد، ۱۳۷۷ش، *امام علی (علیه السلام) و زمامداران*، قم: نشر وثوق.
۴۲. واردی، تقی، ۱۳۸۹ش، *نقش همسران رسول خدا در حکومت امیر مؤمنان (علیه السلام)*، قم: بوستان کتاب.

۴۳. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله هاشمی، ۱۳۵۸ش، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، مصحح سید ابراهیم میانجی، طهران: مکتبة الاسلامیة.
۴۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.

مقاله‌ها

۴۵. خرمشاد، محمدباقر و سرپرست سادات، سید ابراهیم، ۱۳۹۲ش، جریانشناسی سیاسی به مثابه روش، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره پنجم، شماره ۲، ص ۶۱-۹۰.
۴۶. قدردان قراملکی، محمد حسن، ۱۳۸۲ش، جنگ‌های سه گانه امام علی، مجله معرفت، شماره ۶۵، ص ۳۵-۴۷.
۴۷. مهدی‌پور، فرشاد، ۱۳۹۳ش، گونه‌شناسی جریان‌شناسی‌های فکری-فرهنگی در ایران معاصر، دین و سیاست فرهنگی، شماره ۲، ص ۷-۳۰.

